

الگوی مطلوب تعامل بین نظام حزبی و انتخابات

(مقاله علمی-پژوهشی)

علی اسماعیلی*

علی اکبر گرجی ازندریانی**

سعید رضا ابدی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده

وجود احزاب سیاسی یکی از ضروریات انتخابات کارآمد است؛ زیرا برگزاری انتخابات با محوریت احزاب باعث پخته‌تر شدن برنامه‌های اداره کشور می‌گردد و از تعداد غیرمعقول نامزدها کاسته می‌شود. بنابراین نظام انتخاباتی حزبی بر نظام انتخاباتی غیرحزبی برتری دارد. حال پرسش این است که الگوی مطلوب تعامل بین نظام حزبی و انتخابات چیست؟ با توجه به اینکه تاکنون تحقیقی تحت این عنوان انجام نگرفته است، بنابراین بررسی این موضوع اهمیت دارد. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از جنبه تعداد احزاب، نظام چندحزبی مطلوب‌ترین شکل تعامل احزاب و انتخابات است؛ زیرا باعث مشارکت حداکثر گرایش‌های سیاسی در انتخابات می‌شود، اما از جنبه ثبات دولت نظام دوحزبی مطلوب‌ترین شکل تعامل است. مدل نظام تک‌حزبی و دوحزبی با غلبه یک حزب، شکل غیردموکراتیک تعامل احزاب و انتخابات است. ارتباط بین تعداد احزاب و نظام انتخاباتی تحت عنوان «قاعده دوورژ» توجیه شده است که این قاعده محل بحث و اختلاف است. الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات همچنین شامل مشارکت احزاب در مدیریت انتخابات، نظارت بر انتخابات و معرفی نامزدها انتخاباتی است تا انتخابات به شکل سالم برگزار گردد. در بحث نظام مالی انتخابات، الگوی مطلوب تعامل شفافیت و کنترل هزینه‌های احزاب سیاسی از طریق تعیین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های هزینه انتخاباتی و الزام به افشا و گزارش‌دهی است.

کلید واژگان:

انتخابات، احزاب، تعامل، نظام‌های حزبی، مدل مطلوب.

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

aliesmaeli281@gmail.com

** دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

A_gorji@sbu.ac.ir

*** دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

s_abadi@sbu.ac.ir

مقدمه

امروزه احزاب سیاسی بخش اصلی سیاست را در کشورهای مختلف تشکیل می‌دهند. در بعضی از کشورها تنها یک حزب به‌طور قانونی حق فعالیت دارد یا با وجود عدم منع قانونی برای فعالیت احزاب، نظام انتخاباتی بر تفوق یک حزب ایجاد شده است. اما به‌طور معمول در کشورهای دموکراتیک چندین حزب فعالیت دارند. هرچند ممکن است انتخابات در برخی از نظام‌های سیاسی به شکل غیرحزبی برگزار گردد؛ با این حال، کمتر کشوری را می‌توان یافت که در آن هیچ حزبی فعالیت نداشته باشد. احزاب یکی از معیارهای تقسیم‌بندی نظام‌های دموکراتیک از غیردموکراتیک است؛ زیرا نظام‌های اقتدارگرا به‌طور معمول بر ساختار تک‌حزبی مبتنی است؛ درحالی که در نظام‌های دموکراتیک احزاب متعددی فعالیت می‌کنند. دانشمندان علوم سیاسی رقابت بین دو یا چند حزب را لازمه دموکراسی می‌دانند.

قوانین انتخاباتی می‌تواند تأثیر مهمی بر تکامل یک سیستم حزبی و عملکرد احزاب سیاسی، یا چگونگی شکل‌گیری و ارتباط آنها با یکدیگر داشته باشد. به‌منظور ارائه یک چارچوب سازمانی جدید برای احزاب سیاسی، ۱۵ نوع معمول از احزاب سیاسی بر اساس سه معیار زیر ارزیابی گردیده است: (الف) آیا مبنای حزب نخبه‌گرایی یا عوام‌گرایی است؛ (ب) آیا جهت‌گیری برنامه‌های آنها حول ایدئولوژی هستند؛ (ج) آیا آن احزاب اهل تساهل، تکثرگرا یا حزب مسلط هستند.^۱

در جهان امروز، به ویژه در ممالکی که نظام آنها نماینده‌سالار و بر مبنای انتخابات استوار است، موضوع احزاب سیاسی در ارتباط تنگاتنگی با کلیه وجوه سیاست علی‌الخصوص انتخابات مطرح است. احزاب سیاسی با سازمان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه، در عین حالی که عامل تقسیم کردن و متشکل ساختن مردم به شاخه‌ها و بخش‌های گوناگون‌اند، عامل نزدیک کردن و تلفیق نمودن خرده‌گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها یا نظام‌های اندیشه‌ای کم و بیش منسجمی می‌باشند.^۲

1. Gunther, R. and Diamond, L., 'Species of political parties: A new typology', *Party Politics*, 9/2, 2003, p. 167.

۲. قاضی، ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ پنجاه و چهارم، ۱۳۹۴، ص ۳۲۴.

احزاب سیاسی تأثیر گسترده‌ای بر شکل‌گیری نظام انتخاباتی دارد. شکل‌گیری نظام انتخاباتی به دو شکل اکثریتی و تناسبی مدلول تأثیرگذاری احزاب سیاسی بر انتخابات است. همچنین انتخاب و طراحی نوع نظام انتخاباتی بر نوع، تعداد و ماهیت احزاب سیاسی و تعامل آن در درون فضای سیاسی تأثیر می‌گذارد. نظام انتخاباتی اکثریتی یا «برنده همه چیز را می‌برد»^۱ به طور معمول با نظام دو حزبی- یا به عبارت بهتر نظام انتخاباتی با غلبه دو حزب- ارتباط دارد. درحالی‌که نظام انتخاباتی تناسبی محرکی برای ایجاد یک نظام حزبی است که متشکل از چندین حزب مهم سیاسی و غالباً احزاب سیاسی کوچک‌تر است که در مواردی تعداد این احزاب بسیار زیاد است. تعامل احزاب و انتخابات تنها محدود به تأثیرگذاری بر تعداد احزاب فعال در جریان برگزاری انتخاب نیست، بلکه همچنین برخی دیگر از ابعاد مهم انتخابات از جمله معرفی نامزدها، منابع مالی احزاب، مشارکت در فرایند انتخابات و نظارت بر انتخابات را نیز شامل می‌گردد. درک انتخابات و سیستم‌های انتخاباتی و اینکه چگونه این دو فاکتور بر احزاب سیاسی، ماهیت و برابری و کیفیت نمایندگی تأثیر می‌گذارد، بیش از هر زمانی دیگری اهمیت دارد.

بررسی پیشینه این تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی در ارتباط با ترسیم الگوی مطلوب تعامل بین احزاب سیاسی و انتخابات صورت نگرفته است. اگر وجود احزاب را لازمه دموکراسی و یک نظام انتخاباتی کارآمد بدانیم، لازم است که ارتباط بین نظام انتخاباتی با نظام حزبی تجزیه و تحلیل گردد و در نتیجه شکل مطلوب تعامل بین این دو تعیین شود. بنابراین پرسش اساسی این تحقیق این است که الگوی مطلوب تعامل بین احزاب سیاسی و انتخابات چیست؟

در این مقاله در ابتدا درخصوص تأثیر و تأثر نظام حزبی و انتخابات بحث می‌شود. به این صورت که احزاب سیاسی از نظر تعداد به ترتیب به نظام تک‌حزبی و نظام با تفوق یک حزب، نظام دوحزبی و چندحزبی تقسیم، و شکل تعامل آن با انتخابات تعیین می‌شود. در ارتباط با تعامل احزاب و نظام انتخاباتی، «قاعده دوورژه» که در توجیه ارتباط نظام انتخاباتی و نظام حزبی ارائه شده است، بررسی و نقد می‌شود. الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات همچنین شامل نقش احزاب در مدیریت انتخابات، معرفی نامزدها، نظارت بر انتخاباتی و نیز نظام مالی حاکم بر انتخابات است.

۱. نظام‌های حزبی و تأثیر آن بر انتخابات

در ابتدا دربارهٔ نظام انتخاباتی به اختصار بحث می‌شود و سپس ارتباط نظام انتخاباتی و نظام حزبی در سه قالب نظام تک‌حزبی، دو‌حزبی و نظام سه‌حزبی مطالعه می‌شود.

۱.۱. نظام انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی براساس آرایه‌ای که رأی‌دهندگان به صندوق‌های رأی انداخته‌اند، پیروز انتخابات را مشخص و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی باید چه سهمی از قدرت سیاسی داشته باشند.^۱ نظام انتخاباتی به نظام انتخاباتی اکثریتی و نظام انتخاباتی تناسبی تقسیم می‌شود. در روش انتخابات اکثریتی برای انتخابات پارلمان یا سایر نهادها، سرزمین کشور به تعدادی حوزه انتخاباتی که چارچوب رقابت هر یک از داوطلبان را مشخص می‌کند، تقسیم می‌شود و مردم هر یک از این حوزه‌ها حق انتخاب یک یا چند نماینده را دارند و نماینده یا فهرستی که بیشترین آرا را به خود اختصاص دهد، پیروز انتخابات خواهد بود و بقیه سهمی در کرسی‌ها ندارند. این فرایند می‌تواند در یک مرحله (نظام اکثریتی ساده) یا دو مرحله (نظام اکثریتی مطلق) صورت پذیرد. بر این اساس، نظام‌های انتخاباتی اکثریتی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع: اکثریتی ساده (نسبی، یک مرحله‌ای) و اکثریتی مطلق (دو مرحله‌ای) تقسیم می‌شوند.^۲ نظام انتخاباتی اکثریت ساده معروف به نظام «نخست نفری»^۳ است. این شیوهٔ انتخابات تنها در حوزه‌های تک‌کرسی، قابل اعمال است. در کشور انگلستان، کشور به تعداد کرسی‌های پارلمانی به حوزهٔ انتخابیه تقسیم و در هر حوزه فقط یک کرسی به رقابت گذاشته می‌شود.^۴

نظام انتخاباتی اکثریتی بر این ایده مبتنی است که برنده همه چیز را می‌برد. بنابراین در نظام انتخاباتی اکثریتی بحث ائتلاف احزاب و تشکیل دولت ائتلافی اغلب منتفی است. نظام انتخاباتی تناسبی هم به لحاظ هدف و هم به لحاظ روش با نظام انتخاباتی اکثریتی متفاوت است. در این سامانه اصل بر این است که به هر حزب و گروه سیاسی حاضر در انتخابات

۱. لاندل، کریستر، *عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخابات: مطالعات مقایسه‌های کلان*، ترجمه علی را عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹، ص ۳۱.

۲. بشیریه، حسین، *درس‌های دموکراسی برای همه*، جلد ۲، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱، صص ۱۵۷-۱۵۸.

3. First-Past-The-Post

۴. ایوبی، حجت اله، *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟*، جلد ۱، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۷۱.

به تناسب آرای که به دست آورده است، کرسی‌هایی داده شود؛ البته به شرط اینکه حداقل آرای لازم را کسب کرده باشد. هدف این سامانه، برقراری عدالت در امر نمایندگی و نمایاندن دقیق گرایش‌های سیاسی موجود در کشور است. همه احزاب حتی احزاب در اقلیت باید به نسبت آرای خود دارای نماینده باشند.^۱ در نظام انتخاباتی تناسبی، این ایده که برنده همه چیز را می‌برد، کنار گذاشته شده و برای همه گرایش‌های سیاسی درون یک جامعه سهمی در اداره کشور قائل است؛ البته به شرط اینکه حداقلی از آرای انتخاباتی را کسب نماید.

۱.۲. تأثیرگذاری هر یک از اشکال نظام حزبی بر انتخابات

تأثیرگذاری نظام حزبی بر نظام انتخاباتی در سه شکل نظام تک‌حزبی، دوحزبی و چندحزبی در این قسمت بررسی و در هر مورد تأثیرات مثبت و منفی آن بحث می‌شود.

۱.۲.۱. نظام انتخاباتی مبتنی بر نظام تک‌حزبی

نظام تک‌حزبی به نظامی گفته می‌شود که حزب سیاسی که غالباً ایدئولوژیک است، به تنهایی می‌خواهد مبین همه مردم و کلیت جامعه باشد و خود سرچشمه اراده عامه قرار گیرد.^۲ در نظام تک‌حزبی، تنها یک حزب سیاسی قانوناً می‌تواند قدرت مؤثر سیاسی را اعمال نماید. با وجود اینکه احزاب کوچک در مواردی اجازه فعالیت می‌یابند، این احزاب ملزم‌اند که رهبری حزب غالب را بپذیرند.

تمایز بین نظام تک‌حزبی با «نظام با غلبه یک حزب»^۳ اهمیت دارد. نظام حزبی با تفوق یک حزب نظامی است که در آن با وجود برقراری نظام چندحزبی، یک حزب چنان غلبه دارد که سیستم سیاسی کشور را هدایت می‌کند و در یک دوره زمانی طولانی قدرت را به‌طور کامل در اختیار دارد و احزاب مخالف تنها شانس محدودی برای کاستن از هژمونی سیاسی حزب حاکم دارند.^۴ برای مثال، در خصوص نظام حزبی مبتنی بر غلبه یک حزب، از جمله می‌توان به «حزب

۱. عباسی، بیژن، نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۳۹، ۱۳۸۸، شماره ۳، ص ۲۴۵.

۲. قاضی، پیشین، ص ۳۲۷.

3. one-party dominant system

4. Matlosa, K. and Karume, S. 'Ten years of Democracy and the Dominant Party System in Mattes, Robert and Hermann Thiel (1998) 'Consolidation and Public Opinion in South Africa' *Journal of Democracy* 9, 1, 2004, p.95.

عمل مردمی^۱ در سنگاپور، «کنگره ملی آفریقا»^۲ در آفریقای جنوبی، «حزب خلق کامبوج»^۳ و «حزب دموکراتیک لیبرال»^۴ در ژاپن اشاره کرد.

تفاوت بنیادین این دو نظام در این است که در نظام با تفوق یک حزب، حزب غالب در چارچوب نظام چندحزبی عمل می‌کند و هیچ محدودیتی برای احزاب مخالف ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر، در نظام با تفوق یک حزب، فضای سیاسی گسترده‌ای در مقایسه با نظام تک‌حزبی وجود دارد. تعامل بین نظام تک‌حزبی و نظام انتخاباتی به این صورت است که نظام تک‌حزبی موجب استیلای طرفداران یک گروه خاص می‌گردد و در نتیجه تسلط یک ایدئولوژی واحد بر کلیه جنبه‌های زندگی اجتماعی، راه بر روی هرگونه تفکر مستقلی بسته می‌شود. در نظام‌های تک‌حزبی انگیزه تشکیل حزب از بالا به پایین است و وفادارترین افراد نسبت به ایدئولوژی حاکم شایسته‌ترین افراد برای اشتغال به مناصب سیاسی به شمار خواهند آمد.^۵ تأثیرگذاری نظام‌های تک‌حزبی بر نظام انتخاباتی از این نظر است که نظام تک‌حزبی اختیار گزینش‌گری را در تمام ابعاد زندگی سیاسی از شهروندان محروم می‌کند و تنها به طرفداران ایدئولوژی حاکم اجازه مشارکت سیاسی می‌دهد. در نتیجه نظام تک‌حزبی انتخابات را تنها به ابزاری برای تأیید برنامه رژیم حاکم تبدیل می‌کند.

۱.۲.۲. نظام انتخاباتی مبتنی بر نظام دوحزبی

نظام دوحزبی که در کشورهای انگلوساکسون و میان مللی که از آنها الهام گرفته، رایج است، زمانی تحقق می‌یابد که جریان‌های همسایه و همسویه سیاسی در درون دو سازمان بزرگ متشکل شوند و فرهنگ و نظام‌های ارزشی آن جوامع و همچنین تجربه تاریخی و عادات سیاسی، زمینه را طوری فراهم کند که اختلافات کوچک فکری یا تفاوت‌های نژادی و فرهنگی و منطقه‌ای غیرمهم یا متنوع، نتواند آنان را به سوی گروه‌گرایی و تفرقه و بالمال ظهور احزاب متعدد براند.^۶

1. people's Action Party
2. African National Congress
3. Cambodian People's Party
4. Liberal Democratic Party

۵. هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵، ص ۳۲۸.

۶. قاضی، پیشین، ص ۳۲۸.

نظام‌های دوحزبی شامل دولت‌هایی مانند، هندوراس، جامائیکا، مالت، غنا، انگلستان و ایالات متحده آمریکا است که در این کشورها دو حزب سیاسی غالب وجود دارد؛ به طوری که پیروزی در انتخاب تحت لوای سایر احزاب تقریباً غیرممکن است. یک حزب ائتلاف راست و یک حزب ائتلاف چپ، شایع‌ترین شکل تفکیک ایدئولوژیک احزاب در چنین سیستمی است. نظام دوحزبی نتیجه نظام انتخاباتی اکثریت نسبی است؛ رابطه‌ای که «موریس دوورژه»^۱ آن را شرح می‌دهد و به‌عنوان «قاعده دوورژه»^۲ شناخته می‌شود.^۳

نظام سیاسی انگلستان، از دهه ۱۹۲۰ تا به امروز دو حزب بزرگ این کشور را «حزب محافظه کار»^۴ و «حزب کارگر»^۵ تشکیل داده است. پیش از ظهور حزب کارگر در نظام سیاسی انگلستان، حزب لیبرال به‌عنوان حزب سیاسی دوم در کنار حزب محافظه‌کار فعالیت می‌کرد. اگر چه دولت ائتلافی و دولت‌های اقلیت در موارد محدودی یکی از شاخصه‌های اصلی نظام پارلمانتاریسم انگلستان بوده است، سیستم انتخاباتی مبتنی بر اکثریت نسبی^۶ که در «انتخابات عمومی»^۷ در انگلستان استفاده می‌شود، باعث شده که برتری یکی از این دو حزب تداوم داشته باشد.^۸

به‌کارگیری مکانیسم «برنده همه چیز را می‌برد» در نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا عملاً مانع از شکل‌گیری نامزدهای مستقل یا حزب سوم گردیده است. در نتیجه، پایداری نظام دوحزبی در این کشور را تضمین نموده است.

مهم‌ترین مزیت نظام دوحزبی این است که حزب پیروز در انتخابات، با کسب اکثریت مطلق کرسی‌ها، مبادرت به تشکیل دولت می‌نماید. این دولت با اتکا به اکثریت پارلمانی هم‌سرشت و پایدار، با برنامه‌های مشخص و تأیید شده به کار خود ادامه می‌دهد.^۹ باین‌حال، از معایب عمده

1. Maurice Duverger
2. Duverger's Law
3. See: Duverger, M. *Political Parties: Their Organization and Activity in the Modern State*, New York: Wiley, 1954.
4. Conservative Party
5. Labour Party
6. first-past-the-post
7. General election

۸. برای دیدن سیر تکامل نظام دوحزبی انگلستان نک:

Du Rivage, J. *Revolution against empire: taxes, politics, and the origins of American independence*. New Haven: Yale University Press, 2017.

۹. هاشمی، پیشین، ص ۲۴۸.

نظام دوحزبی این است که باعث دوقطبی شدن انتخابات می‌گردد و عملاً راه برای مشارکت گروه‌های فکری مستقل از احزاب اصلی بسته می‌شود.

۱.۲.۳. نظام انتخاباتی مبتنی بر نظام چندحزبی

در نظام‌های چندحزبی، قوه مقننه از چند حزب اقلیت تشکیل می‌شود که منجر به تشکیل دولت‌های ائتلافی، در موارد نادر، تشکیل دولت اقلیت با غلبه یک حزب اصلی می‌گردد.^۱ به بیان ساده، سیستم چندحزبی به این دلیل ایجاد شده است تا به چندین حزب سیاسی امکان دهد به‌طور جداگانه یا در قالب ائتلاف کنترل دولت را به دست آورند.

طبقات اقتصادی را می‌توان مبنای تحلیل خود از نظام چندحزبی قرار داد. تا قرن نوزدهم مبارزه و ستیز بین آریستوکرات‌های وابسته به زمین و بورژوازی صنعتی و سوداگر، به‌صورت ستیز بین محافظه‌کاران و لیبرال‌ها تجلی می‌یافت، اما از میانه دوم قرن نوزدهم، توسعه صنعت، نیروی سومی را به عنوان پرولتاریا پدید آورد که در حزب سوسیالیست ظهور و بروز پیدا کرد. بنابراین، تضاد کاپیتالیست-سوسیالیست، بر تضاد گذشته محافظه‌کار-لیبرال افزوده شد. در نتیجه نظام دوحزبی گذشته جای خود را به نظام چندحزبی داد و در بسیاری از کشورهای اروپایی احزاب مختلف پدیدار شدند.^۲

استرالیا، کانادا، نپال، پاکستان، هند، ایرلند، نمونه‌های از کشورهایی هستند که دو حزب اصلی و همچنین احزاب کوچک‌تر دیگر کرسی‌ها را در پارلمان به دست می‌آورند. در نظام چندحزبی تعداد احزاب رسمی سه یا بیشتر است، بنابراین غالباً یک حزب نمی‌تواند به تنهایی اکثریت را کسب نماید و احزاب مجبور می‌شوند که با همدیگر برای تشکیل یک دولت ائتلافی همکاری نمایند. این وضعیت در خصوص آلمان هم در انتخابات فدرال و ایالتی، هم در سطح شهرداری‌ها نیز صدق می‌کند. در جمهوری ایرلند، از سال ۱۹۸۹ هیچ حزبی به تنهایی نتوانسته است اکثریت را در پارلمان کسب نماید. به همین دلیل از آن زمان تاکنون دولت‌های ائتلافی شکل گرفته‌اند.

1. Hague, R. McCormick, j & Harrop, M. , *Comparative Government and Politics*, An Introduction (11 ed.). Houndmills: Palgrave Macmillan. 2019. p 199.

۲. ایوبی، حجت الله، *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب*، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما) جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ص ۵۶.

نظام چندحزبی در نظام پارلمانی در مقایسه با نظام ریاستی و در کشورهایی که از نظام نمایندگی تناسبی استفاده می‌کنند، در مقایسه با کشورهایی که از نظام انتخاباتی اکثریتی یک‌مرحله‌ای استفاده می‌کنند، رایج‌تر است. در نظام چندحزبی چندین حزب برای کسب قدرت با هم رقابت می‌کنند و هر یک شانس معقولی برای تصاحب قدرت دارند. نظام چندحزبی به‌طور معمول از طریق نظام انتخاباتی تناسبی تقویت می‌شود؛ زیرا فرصت‌های زیادی را برای رشد احزاب سیاسی کوچک‌تر ایجاد می‌نماید.

دولت در نظام چندحزبی غالباً بی‌ثبات است، این وضعیت به ویژه در دولت‌های برآمده از نظام پارلمانی صدق می‌کند. «جمهوری پنجم فرانسه (یعنی از ۵ اکتبر ۱۹۵۸) مثال جالبی است که در فضای چندحزبی آن، طی دوازده سال، دولت ناپایدار تشکیل شد تا آنجا که برای رهایی از این وضعیت نامطلوب جمهوری پنجم (ریاستی-پارلمانی) تدارک دیده شد»^۱.

۱.۳. تأثیرگذاری نظام انتخاباتی بر نظام حزبی

از دیدگاه موریس دوورژه، نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای موجب پیدایش نظام دوحزبی می‌شود؛ چراکه در چنین نظامی، احزاب سیاسی به‌تنهایی امیدی برای پیروزی در انتخابات ندارند و باید همه گروه‌ها و جناح‌های همسو را برای ارائه نامزدهای مشترک بسیج کرد. در نتیجه، احزاب کوچک امیدی برای پیروزی ندارند و مجبورند به احزاب بزرگ بپیوندند.^۲ به‌عنوان یک قاعده ثانویه، دوورژه مدعی است که نظام انتخاباتی تناسبی گرایش به نظام چندحزبی دارد، همین‌طور نظام انتخاباتی اکثریتی دو مرحله‌ای نیز منجر به نظام انتخاباتی چندحزبی می‌شود.^۳

قاعده دوورژه از مدل رابطه علی بین نظام انتخاباتی و نظام حزبی استنتاج شده است. نظام انتخاباتی تناسبی شرایط انتخاباتی را به‌شکلی رقم می‌زند که منجر به توسعه احزاب متعدد می‌گردد؛ درحالی‌که نظام انتخاباتی اکثریتی احزاب کوچک‌تر را به حاشیه می‌راند و عموماً منجر به نظام دو حزبی می‌شود.

۱. هاشمی، پیشین، ص ۲۴۸.

۲. ایوبی، پیشین، ص ۸۶.

3. Duverger, Maurice, *Political parties: their organization and activity in the modern state*, Internet Archive. London : Methuen, 1964 p, 239.

دوورژه استدلال می‌کند که با استفاده از دو مکانیسم نظام انتخاباتی اکثریتی به نظام دوحزبی منتج می‌شود:

- ۱- احزاب کوچک در نتیجه ناامیدی از کسب کرسی در انتخابات شکل نمی‌گیرند؛ زیرا این احزاب برای کسب کرسی و یا نمایندگی با دشواری روبرو می‌شوند، و
 - ۲- رأی‌دهندگان در خصوص رأی دادن به احزاب کوچکی که طرفدار خط و مشی سیاسی آن هستند، محتاطانه رفتار می‌کنند؛ زیرا نمی‌خواهند که رأی خود را برای حزبی هدر دهند که نمی‌تواند اکثریت را کسب نماید و در نتیجه تمایل به جذب به یکی از دو حزب اصلی را دارند که احتمال کسب اکثریت را داشته و بتواند پیروز انتخابات شود.^۱
- چالش دیگر در برابر شکل‌گیری حزب سوم در نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای هم آماري و هم تاکتیکی است. دوورژه از انتخاباتی مثال می‌زد که در آن ۱۰۰۰۰۰ رأی‌دهنده میانه‌رو در برابر ۸۰۰ هزار رأی‌دهنده رادیکال برای تصاحب یک منصب دولتی تک‌کرسی رقابت می‌کنند. در صورتی که دو حزب میانه‌رو نامزد مستقل معرفی نمایند، اما تنها یک نامزد از سوی رادیکال‌ها کاندید شود و همه رأی‌دهندگان نیز رأی دهند، نامزد رادیکال‌ها برنده احتمالی انتخابات است، مگر اینکه یکی از نامزدهای میانه‌رو آرای کمتر از ۲۰۰ هزار کسب نماید. با آگاهی از این خطر، رأی‌دهندگان میانه‌رو تمایل دارند که به نامزدی رأی دهند که احتمال پیروزی او بر نامزد رادیکال‌ها وجود داشته باشد. در نتیجه، برای پیروزی در انتخابات، هر یک از دو حزب میانه‌رو مجبور می‌شوند که در همدیگر ادغام شوند، یا اینکه یکی از نامزدهای میانه در انتخابات شکست می‌خورد؛ زیرا رأی‌دهندگان به سمت حزب قوی‌تر گرایش پیدا می‌کنند. دوورژه این روند را قطب‌بندی می‌نامد.^۲

حزب سوم، تنها در فرضی می‌تواند وارد عرصه رقابت شود که بتواند از اشتباهات یک حزب اصلی موجود به نفع خود بهره‌برداری نماید. به‌عنوان مثال، هرج و مرج سیاسی در ایالات متحده آمریکا که به «جنگ مدنی»^۳ در این کشور منجر گردید، این امکان را به حزب جمهوری‌خواه داد

1. Alston, E., Lee J.; Mueller, B. ; Nonnenmacher, T. *The Legislature and Executive. Institutional and Organizational Analysis: Concepts and Applications*, Cambridge University Press, 2018, p. 173.

2. Duverger, Maurice, Factors in a Two-Party and Multiparty System". *Party Politics and Pressure Groups*. New York: Thomas Y. Crowell, 1972, pp. 23-32.

3. Civil War

تا اینکه جایگزین حزب ویگ به‌عنوان بخش مترقی جامعه سیاسی آمریکا شود. برنامه سیاسی حزب ویگ در خصوص اصلاحات اقتصادی در کل کشور و تأمین هزینه صنعتی‌سازی از طریق بودجه فدرال، باعث شد که اعضای غیرمتمرکز حزب نتوانند موضع قاطعی در خصوص مسئله برده‌داری اتخاذ نمایند و این امر باعث شد که انشعابی در حزب در طول خط میکسون-دیکسون^۱ پدید آید. صاحبان مزارع روستایی در ایالت‌های جنوبی جذب زیرساخت‌ها و مدارس فدرال، و در نتیجه با حزب دموکرات به عنوان حامی برده‌داری متحد شدند. هم‌زمان کارگران شهری و صاحبان صنایع در ایالت‌های شمالی که در نتیجه تغییرات سریع در قدرت سیاسی و اقتصادی منافع آنها تهدید شد و در نتیجه از نامزدهای حزب ویگ ناامید شدند، جذب حزب جمهوری‌خواه که مخالف برده‌داری بود، گردیدند.

در کشورهایی که از نظام انتخاباتی تناسبی استفاده می‌کنند، به‌ویژه در کشورهایی که از نظام حوزه‌بندی انتخاباتی تک‌حوزه‌ای^۲ در کل کشور استفاده می‌شود، شکل‌گیری نظام دوحزبی تقریباً غیرمحمتمل است. مثال بارز در این خصوص اسرائیل است؛ به‌ویژه اینکه در این کشور حد نصاب لازم احزاب برای تصدی کرسی پارلمان بسیار پایین است. قواعد انتخاباتی اسرائیل به‌طور تاریخی کمترین حد نصاب، یعنی یک درصد آرا را برای تصدی کرسی پارلمان از سوی احزاب لازم می‌داند. از سال ۲۰۱۴ این حد نصاب ۳٫۲۵ درصد است.

حد نصاب تصدی کرسی پارلمان در مجلس بوندستاگ^۳ آلمان، به‌ترتیب:

- ۱- حداقل ۵٪ کل آرای که در سطح کشور که به یک حزب داده می‌شود؛
- ۲- یک حزب حداقل در سه حوزه از مجموع ۲۹۹ حوزه انتخابیه در کل کشور برنده باشد؛
- ۳- حزب متعلق به یک اقلیت ملی باشند.

تعداد آرای هر حزب کرسی‌های آن حزب در پارلمان را تعیین می‌کند و در نتیجه امکان شکل‌گیری احزاب بسیار کوچک محتمل است. دوروزه این قاعده را مقرر داشت که نظام انتخاباتی تناسبی احتمال شکل‌گیری نظام دوحزبی را بسیار غیرمحمتمل می‌سازد.

1. Mason-Dixon line

خط میسون دیکسون ایالت‌های شمالی را از ایالت‌های جنوبی که برده‌دار بودند، جدا می‌کرد.

2. single constituency

3. Bundestag

به‌طور خلاصه، در خصوص مدل تعامل احزاب با نظام انتخاباتی قاعدهٔ دوورژه معتقد است که نظام انتخاباتی اکثریت ساده و نظام انتخاباتی تک‌رأی قابل انتقال^۱ از نظام دوحزبی حمایت می‌کند؛ در حالی که هم سیستم اکثریت مطلق یا دو مرحله‌ای و هم نظام انتخاباتی تناسبی از نظام چندحزبی حمایت می‌کنند.^۲ قاعدهٔ دوورژه از مدل مبنای رابطهٔ علی بین سیستم انتخاباتی و نظام حزبی ناشی می‌شود. نظام انتخاباتی تناسبی شرایط انتخاباتی را به شکلی ایجاد می‌کند که منجر به توسعهٔ احزاب متعددی می‌شود؛ در حالی که نظام انتخاباتی اکثریتی احزاب کوچک سیاسی را به حاشیه می‌راند و عموماً منجر به یک نظام دو حزبی می‌شود.

با وجود تحلیل‌های زیادی که در خصوص درستی یا نادرستی قاعدهٔ دوورژه صورت گرفته است، باید پذیرفت که قاعدهٔ دوورژه می‌تواند مبنایی برای تحلیل نحوهٔ تعامل نظام انتخاباتی و نظام حزبی باشد؛ هر چند در خصوص درستی آن در تمام وضعیت‌های تردیدهایی جدی وجود دارد.

۲. احزاب و مدیریت انتخابات

مدیریت مطلوب انتخابات نیازمند مهارت و پیچیدگی خاصی است. بنابراین لازم است که نهاد یا سازمانی مسئولیت برگزاری انتخابات را بر عهده داشته باشد. چنین نهادی از لحاظ اندازه و شکل بسیار متنوع است. نهاد یا سازمان مجری انتخابات با هدف و همچنین مسئولیت قانونی برای مدیریت بخش یا کلیهٔ مراحل برگزاری انتخابات تشکیل می‌شود. این مراحل اساسی شامل:

الف) تعیین اینکه چه کسی واجد شرایط رأی دادن است؛

ب) نام‌نویسی و ارزیابی صلاحیت نامزدها؛

ج) برگزاری انتخابات؛

د) شمارش آرا؛

1. single transferable vote

نظام تک‌رأی قابل انتقال حوزهٔ انتخابیه به چندکرسی است. رأی‌دهندگان به صورت ترجیحی رأی می‌دهند. یعنی رأی‌دهندگان در برگهٔ رأی مبادرت به شماره‌گذاری رأی نامزدها می‌کنند. کل آرا شمارش می‌شود. سپس برای کسب حد نصاب، کل آرا به کرسی‌های هر حوزه تقسیم می‌شود. ابتدا اولویت اول رأی‌دهندگان شمارش می‌شود، اگر هیچ‌کاندیدایی آن اولویت را کسب ننماید، شخصی که دارای کمترین میزان رأی است، حذف می‌شود و آرای رأی‌دهندگان بر اساس اولویت‌های دوم شمرده یا توزیع می‌شود. این روند ادامه می‌یابد تا اینکه تمامی کرسی‌ها پر شود (خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷).

2. Duverger, Maurice, *Political parties: their organization and activity in the modern state*. Internet Archive. London : Methuen, 1964, p 239.

ه) اعلام آرای نامزدها.^۱

مشارکت احزاب سیاسی در فرایند برگزاری انتخابات اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا احزاب در جریان برگزاری انتخابات ذی‌نفع هستند. همچنین مشارکت احزاب می‌تواند به تضمین سلامت جریان انتخابات کمک کند. نوع رابطه‌ای که احزاب سیاسی می‌توانند با نهاد اجرای انتخابات داشته باشد، از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. در برخی از موارد احزاب بخشی از نهاد متولی برگزاری انتخابات را تشکیل می‌دهند؛ درحالی‌که در سایر موارد، فقط مکانیسم‌های مشورتی محدود برای مداخله احزاب سیاسی وجود دارد.

۲.۱. اشکال مداخله احزاب در مدیریت انتخابات

نهادهای مدیریت انتخابات قانوناً می‌توانند به روش غیرحزبی، یا به شیوه ترکیبی تشکیل شوند. در مدیریت اجرای انتخابات به شکل غیرحزبی، احزاب در کمیسیون برگزاری انتخابات نماینده ندارند. عوامل اجرایی انتخابات از شخصیت‌های عمومی معتمد، کارشناسان در زمینه انتخابات و سایر متخصصانی که بی‌طرف و مستقل از قدرت سیاسی هستند، تشکیل می‌شود. در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهایی که دوره دشواری از انتقال از رژیم استبدادی به دموکراسی چندحزبی را طی نموده‌اند، از مدل مدیریت حزبی در برگزاری انتخابات استفاده شده است. مبارزه علیه استبداد در این کشورها موجب شده که جامعه تا آن اندازه قطب‌بندی شود که انتخاب شخصیت‌های مردمی به‌عنوان شخص مستقل برای مدیریت انتخابات در دوره گذار دشوار باشد.^۲

مدیریت اجرای انتخابات در مواردی به شکل ترکیبی از نامزدهای احزاب سیاسی و همچنین برخی از تکنوکرات‌ها مانند قضات، دانشگاهیان و کارمندان شاغل در بخش عمومی تشکیل می‌شود. در برخی از نظام‌های انتخاباتی اعضای نهاد اجرای انتخابات به دو دسته تقسیم می‌شوند. تعداد از اعضای نهاد اجرای انتخابات از متخصصان مستقل و تعداد دیگر متشکل از افرادی است که به وسیله احزاب سیاسی انتخاب می‌شوند. مزایای استفاده از این شیوه مشارکتی در برگزاری انتخابات این است که نهاد اجرایی کارآمدی شکل می‌گیرد که هم اعضای حزب

1. Helena C. Ellis A., Maley M and Wall A. *Management Design, International IDEA*, Sweden: Stockholm, 2014, p 5.

2. ACE Electoral Knowledge Network, the ACE Encyclopedia: parties and Candidates, <<http://www.aceproject.org>>, accessed 5 September 2017, p89.

نقش چشمگیری را در آن دارند و هم اینکه عملکرد شفافی دارد.^۱ در این شکل از مدیریت انتخابات احزاب در کنار اشخاص متبحر مدیریت اجرای انتخابات را برعهده می‌گیرند که این امر می‌تواند هم کارآمدی و هم شفافیت انتخابات را تضمین نماید.

برخی تحلیلگران معتقدند که مشارکت احزاب سیاسی در مدیریت انتخابات می‌تواند موجب شکل‌گیری اجماع در بین بازیگران دخیل در انتخابات شود و نقش مهمی در ارتقای مشارکت دارد که همه این موارد می‌تواند منجر به بهبود اعتماد به فرایند انتخابات شود. از طرف دیگر، مدیریت انتخابات به شکل حزبی می‌تواند تصمیم‌گیری را به ویژه در شرایطی که منافع حیاتی حزب در معرض خطر است و اعضای آن تمایلی به دستیابی به سازش عملی ندارد، به مخاطره اندازد یا فلج نماید.^۲

۲.۲. مدل مطلوب تعامل احزاب و انتخابات از جنبه مدیریت انتخابات

سازمان‌دهی انتخابات لزوماً نیازمند تعامل احزاب سیاسی با نهادی اجرایی انتخابات از طریق یک ساختار سازمانی است. اما باید به خاطر داشت که احزاب سیاسی نقش مشابه در تضمین انصاف در جریان برگزاری انتخابات و ایجاد اعتماد به سیستم از طریق بازی در چارچوب قواعد و به‌ویژه پذیرش نتایج انتخابات دارند. نهاد اجرای انتخابات باید فرایندی را ایجاد نماید که از طریق آن به‌طور منظم با احزاب سیاسی تماس وجود داشته باشد. در طی دوران غیر از انتخابات، این ارتباط ممکن است به شکل نامه‌ها، یادداشت‌های کوتاه و خبرنامه باشد.^۳ در هنگام برگزاری انتخابات لازم است نمایندگان احزاب سیاسی در مرحله قبل از انتخابات دعوت شوند و درباره موضوعاتی مانند زمان‌بندی انتخابات، اختصاص زمان لازم برای تبلیغات انتخاباتی، مکان رأی‌گیری، فرایند نامزدی، زمان برگزاری انتخابات و شمارش آرا بحث و تبادل نظر نمایند.

1. Ibid.

2. See: López-Pintor, R., Electoral Management Bodies as Institutions of Governance. UNDP Bureau for Development Policy, <http://www.pogar.org/publications/other/undp/elections/electoralmgmtbodies-e.pdf>, 2000.

3. See: Electoral justice in Africa: placing trust in informal mechanisms. International IDEA, online article, posted December 13, 2010. http://www.idea.int/elections/ej/electoral_justice_africa.html/

۳. نظارت بر انتخابات و احزاب

احزاب همچنین می‌توانند برای تضمین سلامت انتخابات بر جریان انتخابات نظارت نمایند. در این قسمت الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات در بحث نظارت بر انتخابات ترسیم می‌شود.

۳.۱. شیوه نظارت احزاب بر انتخابات

با قبول اصل نظارت برای تأمین یک انتخابات صحیح و سالم، این نظارت باید به دست کسانی باشد که علاقه و منفعت خاصی نسبت به نتایج انتخابات نداشته باشند تا بتوانند درستی و امانت‌داری لازم را در انجام یک نظارت بی‌طرفانه به کار گیرند.^۱ نظارت بر انتخابات به سه شیوه انجام می‌گیرد:

۱. نظارت از طریق قوه مقننه؛ بدین معنا که نمایندگان مجالس مقننه، مشترکاً قضاوت در صحت انتخابات را برعهده می‌گیرند و با رأی اکثریت، انتخابات را تأیید و یا ابطال می‌کنند.
۲. نظارت توسط یک نهاد یا سازمان بی‌طرف که در مقام «قوه ناظر بر انتخابات» این وظیفه را برعهده می‌گیرد و در صورت تخلف، انتخابات را ابطال می‌کند.
۳. نظارت قضایی؛ بدین معنا که در برخی از کشورها، دادگاه‌های عالی (نظیر دیوان کشور) یا دادگاه ویژه، انتخابات را زیر نظر می‌گیرند و در صورتی لزوم، حکم ابطال انتخابات و یا صندوق‌های انتخاباتی را صادر می‌کنند.^۲ با توجه به شیوه‌های دولتی نظارتی فوق، این پرسش مطرح است که آیا می‌توان جایگاهی را هم برای احزاب در نظارت بر انتخابات در نظر گرفت؟

یکی از مسئولیت‌های اصلی احزاب سیاسی در فرایندهای برگزاری انتخابات این است که به‌عنوان یک ناظر بی‌طرف عمل نمایند تا اینکه از منافع حزب با نظارت دقیق بر درستی فرایندهای که در طی برگزاری انتخابات مورد استفاده قرار می‌گیرند، محافظت نماید. مداخله احزاب سیاسی در فرایند نظارت بر انتخابات ممکن است منجر به مشروعیت و اعتماد به فرایند برگزاری انتخابات شود و احتمال اعتراضات بعدی احزاب به نتایج انتخابات را کاهش دهد؛ مگر

۱. هاشمی، سیدمحمد، نظارت شورای نگهبان «انضباط» است، نه «استصوابی» و نه «استطلاعی»،
مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۲ دوره ۷، شماره ۴ (پیاپی ۳۱)، ص ۱۸۳.
۲. همان.

اینکه شواهدی مبتنی بر تقلب مشاهده نمایند. از طرف دیگر، خطرات احتمالی دخالت احزاب سیاسی در فرایند برگزاری انتخابات این است که احزاب در روند برگزاری انتخابات غلبه می‌یابند و رأی‌دهندگان و نامزدها را مرعوب می‌کنند.^۱ نظارت احزاب بر انتخابات در طول سه شیوه نظارتی رایج بر انتخابات اعمال می‌شود. پس نظارت احزاب بر انتخابات به معنای حضور احزاب سیاسی در ترکیب هیئت نظارت بر انتخابات نیست، بلکه به این معنی است که به‌طور مستقل و از طریق نمایندگان خود بر کلیه مراحل برگزاری انتخابات، نظارت نمایند.

در استرالیا و کانادا هر نامزد حق دارد که یک یا چند نماینده در هر یک از صندوق‌های اخذ رأی داشته باشد.^۲ در ایالات متحده آمریکا نمایندگان احزاب سیاسی بخشی از فرایند انتخابات محسوب می‌شوند که فعالیت آنها از طریق قوانین ایالتی و ناحیه‌ای کنترل می‌شود. نمایندگان احزاب به نمایندگی از هر دو حزب بر فرایند رأی‌گیری نظارت می‌کنند تا اینکه برگزاری انتخابات به شکل سالم تضمین شود.^۳ مطابق ماده ۵۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، در ایران هر نامزد یا چند نامزد (حزب) می‌تواند برای هر شعبه اخذ رأی یک نماینده معرفی کند.

۳.۲. الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات در نظارت بر انتخابات

به‌طور یقین حضور نمایندگانی از احزاب سیاسی در فرایند رأی‌گیری می‌تواند به‌عنوان ابزاری قوی در برابر تقلب در انتخابات عمل نماید. نظارت نمایندگان احزاب سیاسی باید از مرحله شروع انتخابات تا مرحله اعلام نتایج را شامل شود. مقررات مربوط به تعداد نمایندگان احزاب سیاسی برای حضور در مرکز رأی‌گیری متفاوت است. در بعضی نظام‌های انتخاباتی هر حزب می‌تواند در هر حوزه انتخابیه یا هر حوزه که در آن رأی‌گیری انجام می‌گیرد، نمایندگانی داشته باشد.^۴ نمایندگان احزاب باید از تماس با رأی‌دهندگان، نمایش شعارهای انتخاباتی یا اعمال نفوذ در عملکرد انتخابات و یا حین برگزاری انتخابات خودداری کنند.

1. ACE Electoral Knowledge, Op.cit, p 96.

۲. قانون انتخابات کانادا، ۲۰۰۰، فصل ثبت نام احزاب سیاسی و بخش دوم قانون انتخابات جوامع مشترک المنافع ۱۹۱۸ استرالیا تحت عنوان نمایندگان احزاب سیاسی.

3. Tanfani, J. Renshaw, J., Challengers, observers and electioneering: the history and rules of U.S. poll watching, 2020, available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-election-poll-watchers-facts-expl-idUSKBN26S1IH/>

۴. برای مثال نک: ماده ۵۵ انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران.

۴. احزاب و نظام مالی انتخابات

بخش مهمی از رابطه احزاب سیاسی با انتخابات تنظیم نظام مالی انتخابات است.

۴.۱. تنظیم هزینه انتخاباتی احزاب سیاسی

احزاب سیاسی به دلیل اهمیت حیاتی خود برای دموکراسی پایدار، در بسیاری از کشورها تحت حمایت قانون اساسی قرار دارند. نظارت و تنظیم فعالیتها مربوط به تأمین مالی احزاب سیاسی به عنوان یک الزام در نظام حزبی خود را نشان می‌دهد. اگرچه مبحث تنظیم و نظارت بر احزاب سیاسی حوزه نسبتاً جدیدی است،^۱ از نظر قانون و اجرا تفاوت‌های چشمگیری بین کشورها وجود دارد. بررسی تأمین مالی احزاب سیاسی تحت سه عنوان کلی: الف) تأمین مالی به شکل منظم، ب) مبارزات انتخاباتی و ج) حسابرسی مناسب، مطرح می‌شود.^۲ تأمین مالی از طریق بخش خصوصی، اعانات و کمک‌های دولتی شکل رایج تأمین مالی احزاب سیاسی است. کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی یا تأمین مالی از طریق منابع عمومی، برای ادامه حیات احزاب سیاسی ضرورت دارد.^۳ با این حال، این کمک‌ها باید محدود و تنظیم شود تا از وابستگی صرف احزاب سیاسی به بودجه عمومی اجتناب گردد، تنوع سیاسی افزایش یابد و امکان اعمال حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مهیا شود. از سوی دیگر، تأمین مالی از طریق بخش خصوصی را می‌توان به طور کلی در قالب حق عضویت اعضا، درآمدهای حاصل از فروش کتاب، مجلات، روزنامه و غیره حزب، دارایی شخصی نامزدها و کمک‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی دسته‌بندی کرد.^۴

بررسی و ارزیابی منظم درآمدها و هزینه‌های احزاب سیاسی توسط یک نهاد قانونی و افشای به موقع این جزئیات برای عموم، مؤلفه‌های اصلی فرایند حسابرسی از احزاب سیاسی است. روش و شیوه‌ای که در فرایند حسابرسی و مجازات موارد تخلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید به موجب قانون معین شود.

1. OSCE/ODIHR-Venice Commission, 2010

<http://www.osce.org/odihr/77812?download=true>. < Accessed on December 15, 2015.>, p:11.

2. Ibid.

3. E. Falguera, S. Jones and M. Öhman (ed.) *Funding of Political Parties and Election Campaigns: A Handbook on Political Finance*, Stockholm: International IDEA, 2014, p 344.

4. OSCE/ODIHR, op,cit, p 11.

بدیهی است که احزاب سیاسی برای ایفای نقش مؤثر در زندگی سیاسی به منابع مالی نیاز دارند.^۱ هزینه‌های فعالیت‌های سیاسی روزبه‌روز افزایش می‌یابد و تأمین مالی احزاب سیاسی به جای اتکا به حق عضویت اعضا به عنوان منبع اصلی تأمین درآمد در گذشته، بر اعانات اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و کمک‌های منظم دولت مبتنی است. احزاب سیاسی باید منابع مالی منظم و قانونی برای ایجاد یک رقابت منصفانه و برابر داشته باشند. در عوض در بسیاری از کشورها، منابع مالی غیرقانونی از طریق روش‌هایی مانند فروش مواد مخدر و قاچاق انسان؛ نفوذ شرکت‌ها در سیاست؛ تبعیض ناروای سیاسی و استفاده از منابع عمومی برای اهداف سیاسی تأمین می‌شود.^۲ از سوی دیگر، مطالعات مختلف نشان می‌دهد که احزاب سیاسی از جمله نهادهای کم‌اعتماد هستند که بیشترین مشارکت در فساد را دارند.^۳

۴.۲. الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات از جنبه هزینه‌های انتخاباتی

با توجه به تأثیرگذاری هزینه‌های انتخاباتی بر بحث سلامت و همچنین به منظور ایجاد یک رقابت منصفانه و برابر برای کلیه گروه‌های سیاسی، بی‌تردید باید هزینه‌های احزاب سیاسی کنترل شود و قوانین حاکم بر تأمین مالی احزاب سیاسی بر اصول و قواعد شفافیت و پاسخگویی مبتنی باشند. بند (۳) ماده ۷ «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد»^۴ که جامع‌ترین و سند حقوقی بین‌المللی بر علیه فساد است که از سال ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد، در خصوص کنترل منابع مالی انتخابات مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو، همچنین مطابق با اهداف این کنوانسیون و براساس اصول اساسی قانون داخلی خود اتخاذ اقدامات اداری و قانونی مقتضی را مدنظر قرار می‌دهد تا شفافیت در تأمین مالی نامزدها را برای مشاغل منتخب دولتی و درجایی که صدق کند، تأمین مالی احزاب سیاسی را نیز ارتقا دهد». تأمین مالی احزاب سیاسی باید کاملاً شفاف باشد. برای این منظور لازم است:

الف) کمک‌های دولتی باید به‌گونه‌ای شفاف و برابر به احزاب سیاسی پرداخت شود؛

ب) منابع کمک مالی به احزاب سیاسی از طریق بخش خصوصی محدود یا در برخی از موارد

ممنوع گردد؛

1. Magnus Öhman and Hani Zainulbhai (ed.) *Political Finance Regulations*, Washington, DC: IFES, 2009, p 30.

2. Falguera, et.al, op.cit, p 345.

3. Transparency International, CRINIS: Money in Politics, Everyone's Concern, archive.transparency.org/regional_pages/americas/crinis. < Accessed on December 15, 2015 >

4. The United Nations Convention against Corruption 2002.

ج) دولت باید در تأمین مالی هزینه‌های احزاب سیاسی مشارکت داشته باشد؛
 ه) احزاب سیاسی باید در ارتباط با هزینه‌های انتخاباتی خود به مقامات دولتی گزارش دهند؛
 و) راهکاری برای نظارت مقامات عمومی و نظارت بر تأمین مالی فعالیت احزاب سیاسی باید وجود داشته باشد.

۵. احزاب و معرفی نامزدهای انتخاباتی

یکی از کارکردهای اصلی احزاب سیاسی در انتخابات معرفی نامزدهای است. در این قسمت تعامل احزاب و انتخابات از این جنبه بحث می‌شود.

۵.۱. معرفی نامزدهای انتخاباتی از سوی احزاب

یکی از جنبه‌های مهم ارتباط احزاب سیاسی و انتخابات نقش است که احزاب سیاسی در معرفی نامزدهای انتخاباتی دارد. امروزه شاید به جرئت بتوان گفت در دموکراسی‌های مدرن احزاب اصلی‌ترین نقش را در معرفی نامزدهای انتخاباتی دارد. معرفی نامزدهای انتخاباتی از سوی احزاب این امتیاز را دارد که تعداد نامزدهای انتخاباتی معقول‌تر خواهد شد و عمل رأی دادن بر مآخذ برنامه سیاسی یا فکری و اندیشه‌مرا می و مسلکی است و از اهمیت شخصیت نامزدها کاسته می‌شود و انتخابگری از حالت احساسی و سطحی خارج می‌گردد.^۱

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، امکان ثبت‌نام و مشارکت در انتخابات به‌عنوان نامزد مستقل برای اشخاصی وجود دارد که از سوی هیچ حزبی نامزد نشده باشند یا عضویت هیچ‌گونه حزب رسمی را نداشته باشند. نقش نامزدهای مستقل در کشورهای با نظام انتخاباتی اکثریتی در مقایسه با نظام انتخاباتی تناسبی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در صورتی که شخصی به‌عنوان نامزد حزبی به پارلمان راه یابد، پرسش این است که کرسی آن فرد در پارلمان در صورت خروج یا استعفا از حزب خود چه وضعیتی دارد؟ در برخی از کشورها چنین نماینده‌ای همچنان می‌تواند آن کرسی را حفظ نماید؛ درحالی‌که در برخی دیگر از کشورها کرسی آن شخص از طریق معرفی نماینده به وسیله حزب یا از طریق انتخابات میان‌دوره‌ای جایگزین می‌شود.^۲

۱. نک: قاضی، پیشین، ص ۳۳۹.

2. National Democratic Institute for International Affairs (NDI), Political Parties in Afghanistan: A Review of the State of Political Parties after the 2009 and 2010 Elections (June 2011). <http://www.ndi.org/files/Afghanistan-political-parties-july-2011.pdf>.

در حالت معرفی نامزدها بدون مداخله احزاب، انتخابات شکل کاندیدامحوری یا فردمحوری دارد و نامزدها اغلب با اتکا به شخصیت خود در رقابت انتخاباتی وارد می‌شوند. به عبارت دیگر، در نظام انتخاباتی بدون حزب شخصیت داوطلب مورد توجه رأی‌دهندگان است. انتخابات به شکل غیرحزبی می‌تواند در حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی و حتی حوزه انتخابیه چندکرسی برگزار شود. در حالت نخست رقابت انتخاباتی تنها برای کسب یک کرسی انجام می‌گیرد، اما در حالت دوم چند نامزد برای تصاحب چند کرسی انتخاباتی رقابت می‌کنند؛ اما ویژگی هر دو این است که شخصیت داوطلبان مورد توجه رأی‌دهندگان است.^۱

با وجود مزایای معرفی نامزدهای انتخابات به شکل حزبی، ایراد اساسی انتخابات حزبی این است که غالباً رأی‌دهندگان مجبورند به فهرست‌هایی که به وسیله احزاب سیاسی تنظیم می‌شود، رأی دهند. در این وضعیت رأی ممکن است بدون شناخت از صلاحیت و شایستگی نامزد انتخاباتی و تنها به دلیل قرارگیری در فهرست حزبی باشد.

۵.۲. الگوی مطلوب معرفی نامزدهای انتخاباتی

در خصوص تعیین الگوی مطلوب تعامل احزاب و انتخابات در خصوص معرفی نامزدهای انتخاباتی به نظر می‌رسد در انتخاباتی که جنبه محلی دارد، مانند شوراهای محلی، بهتر است از نقش احزاب سیاسی کاسته شود و بیشتر بر برگزاری انتخاباتی به شکل غیرحزبی تأکید گردد تا رأی‌دهندگان با شناخت از شخصیت نامزد اقدام به گزینش‌گری نمایند. از سوی دیگر در این شکل از انتخابات، جنبه محلی آن بر جنبه ملی غلبه دارد. با این حال، برای کاستن از معایب معرفی نامزدهای انتخاباتی از سوی احزاب سیاسی لازم است فهرست‌های انتخاباتی که نامزدها ارائه می‌دهند، به شکل فهرست باز تنظیم شود تا اینکه اختیار گزینش‌گری به رأی‌دهنده برای انتخاب از بین فهرست‌های انتخاباتی متنوع داده شود.^۲ در نتیجه، هم انتخابات از حالت شخص‌محوری خارج شود و هم شناخت رأی‌دهندگان از نامزدها افزایش یابد.

۱. نک: هاشمی، پیشین، ص ۲۲۶.

۲. انتخابات حزبی اغلب به شکل لیست باز و لیست بسته برگزار گردد. برای بحث تفصیلی در خصوص فهرست‌های انتخاباتی ر.ک: (عباسی، پیشین).

نتیجه گیری

مدل مطلوب تعامل احزاب و انتخابات را می‌توان در قالب تعداد احزاب سیاسی و نظام انتخاباتی، احزاب و مدیریت انتخابات، احزاب و نظارت بر انتخابات، تنظیم هزینه‌های انتخاباتی و معرفی نامزدهای انتخاباتی بحث نمود.

در خصوص مدل مطلوب تعامل احزاب سیاسی و انتخابات از نظر تعداد احزاب، بررسی این تحقیق نشان داد که مدل انتخابات تک‌حزبی مدل مطلوبی تلقی نمی‌شود؛ زیرا نظام انتخاباتی تک‌حزبی، قدرت‌گزینش‌گری را از رأی‌دهندگان سلب می‌کند و نقش مردم را به تأیید برنامه‌های حزب کاهش می‌دهد. همچنین رقابت حداقل دو حزب سیاسی لازمه یک نظام دموکراتیک است. در خصوص مدل تعامل در نظام دوحزبی و نظام چندحزبی با توجه به اینکه یکی از اصول انتخابات دموکراتیک امکان شرکت همه جریان‌های سیاسی یک جامعه در رقابت قدرت است، نظام دوحزبی با توجه به قاعده «برنده همه چیز را می‌برد»، عملاً بازی رقابت را محدود به دو حزب عمده می‌کند و حتی در مواردی یک حزب غالب مدت‌ها به قدرت مسلط تبدیل می‌شود. در نظام چندحزبی قاعده بازی رقابت سیاسی بین جریان‌های مختلف سیاسی به‌صورتی طراحی می‌شود که کلیه جریان‌های سیاسی در یک کشور بتوانند حداقلی از آرا را کسب نمایند و در پارلمان نماینده داشته باشند و در تشکیل دولت مشارکت نمایند. موضوع تعامل احزاب سیاسی با نظام انتخاباتی همچنین از نظر ثبات سیاسی دولت‌ها نیز قابل بحث است. ثبات قوه مجریه در نظام دوحزبی به بهترین وجه تضمین می‌شود؛ زیرا رقابت دو حزب باعث می‌گردد که غالباً هر یکی دو حزب اصلی بدون ائتلاف بتوانند اکثریت لازم را برای تشکیل دولت داشته باشند. اما در نظام چندحزبی، مدل تعامل از این نظر مطلوب نیست و در بسیاری از موارد موجب سقوط پی‌درپی یا عدم استحکام دولت مستقر می‌شود. مدل نظام حزبی فرانسه در جمهوری چهارم این استدلال را اثبات می‌کند. در خصوص تأثیرگذاری نظام حزبی بر نظام انتخاباتی می‌توان «قاعده دوورژه» را به‌عنوان مبنای اساسی برای تحلیل ارتباط احزاب و انتخابات استفاده نمود. به این شکل که نظام دوحزبی به نظام انتخاباتی اکثریتی و نظام انتخاباتی تناسبی به نظام چندحزبی متمایل است.

احزاب همچنین لازم است در فرایند برگزاری انتخابات در مراحل مختلف مشارکت داشته باشند تا اینکه انتخابات به‌شکل کارآمد، دموکراتیک و شفاف برگزار شود. احزاب باید در روند

مدیریت انتخابات، نظارت بر انتخابات و معرفی نامزدها مشارکت داشته باشند. در مدیریت انتخابات مدل مطلوب حضور نمایندگان احزاب در کنار متخصصان و کارشناسان غیرحزبی است. در فرایند نظارت بر انتخابات، نظارت از طریق نهادهای حکومتی مستقل انجام می‌گیرد، اما احزاب نیز می‌توانند نمایندگانی در حوزه برگزاری رأی داشته باشند. این رویه مانع از تقلب در انتخابات و اعتراض احزاب به نتیجه انتخابات می‌شود. معرفی نامزدها از سوی احزاب در فرایند انتخابات، باعث می‌شود که برنامه سیاسی دولت کارآمدی و پختگی لازم را داشته باشد؛ زیرا در انتخابات غیرحزبی، شخصیت‌محوری در انتخاب نامزدها، بر برنامه‌محوری غلبه می‌یابد. با این حال، از معایب معرفی نامزدها از سوی احزاب این است که شناخت رأی‌دهندگان از نامزدها را کاهش می‌دهد؛ زیرا رأی‌دهندگان مجبورند به فهرست انتخاباتی که از سوی احزاب تهیه شده است، رأی دهند. بنابراین استفاده از فهرست باز انتخاباتی می‌تواند از معایب این شیوه بکاهد. در زمینه هزینه انتخاباتی نیز به‌طور یقین مدل مطلوب نظارت و کنترل هزینه انتخاباتی احزاب از سوی دولت‌ها است. همچنین الزام به شفاف‌سازی هزینه انتخاباتی احزاب و هزینه جاری احزاب سیاسی از طریق نظارت و الزام به گزارش‌دهی ضرورت دارد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ایوبی، حجت‌الله، *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند*، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲. ایوبی، حجت‌الله، *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب*، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۳. بشیریه، حسین، *درس‌های دموکراسی برای همه*، جلد ۲، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
۴. خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵. قاضی، ابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ پنجاه و چهارم، ۱۳۹۴.
۶. لاندل، کریستر، *عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخابات: مطالعات مقایسه‌های کلان*، ترجمه علی عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹.
۷. هاشمی، سیدمحمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵.

مقاله

۸. عباسی، بیژن، *نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی*، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۳۹، ۱۳۸۸، شماره ۳، صص ۲۳۹ تا ۲۵۷.
۹. هاشمی، سیدمحمد، *نظارت شورای نگهبان «انضباطی» است، نه «استصوابی» و نه «استطلاعی»*، مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۴، پیاپی ۳۱، صص ۱۷۹-۱۹۰.

ب) منابع انگلیسی

Books

10. Helena C. Ellis A., Maley M and Wall A. *Electoral Management Design, International IDEA*, Sweden: Stockholm, 2014, p: 5.

11. Alston, E. ; Lee J.; Mueller, B. ; Nonnenmacher, T. , *The Legislature and Executive*. Institutional and Organizational Analysis: Concepts and Applications, Cambridge University Press, 2018.
12. Magnus Öhman and Hani Zainulbhai (ed.) *Political Finance Regulations*, Washington, DC: IFES, 2009.
13. Falguera, Elin; Jones samuel and Öhman Magnus, *Funding of Political Parties and Election Campaigns*, A Handbook on Political Finance, Stockholm: International IDEA, 2014.
14. Du Rivage, J. *Revolution against empire: taxes, politics, and the origins of American independence*. New Haven: Yale University Press, 2017.
15. Duverger, Maurice, "Factors in a Two-Party and Multiparty System". *Party Politics and Pressure Groups*, New York: Thomas Y. Crowell, 1972.
16. Duverger, M. *Political Parties: Their Organization and Activity in the Modern State*, New York: Wiley, 1954.
17. Duverger, M, *Political parties: their organization and activity in the modern state*. Internet Archive. London : Methuen, 1964.
18. Hague, R. McCormick, j & Harrop, M, *Comparative Government and Politics*, An Introduction (11 ed.). Houndmills: Palgrave Macmillan, 2019.

Articles

19. Gunther, R. and Diamond, L., 'Species of political parties: A new typology', *Party Politics*, 9/2, 2003, pp 167-99.
20. Matlosa, K. and Karume, S.. 'Ten years of Democracy and the Dominant Party System in Mattes, Robert and Hermann Thiel (1998) 'Consolidation and Public Opinion in South Africa' *Journal of Democracy* 9, 1, 2004, pp.95-110 10.

Reports

21. National Democratic Institute for International Affairs (NDI), *Political Parties in Afghanistan: A Review of the State of Political Parties after the 2009 and 2010 Elections* (June 2011). <http://www.ndi.org/files/Afghanistan-political-parties-july-2011.pdf>.
22. The electoral Knowledge network(2012) the ACE Encyclopediad: parties and Candidates, available at: www.aceproject.org/
23. López-Pintor, Rafael(2000)Electoral Management Bodies as Institutions of Governance. UNDP Bureau for Development

Policy, <http://www.pogar.org/publications/other/undp/elections/electoralmanagementbodies-e.pdf/>

24. Electoral justice in Africa: placing trust in informal mechanisms. International IDEA, online article, posted December 13, 2010. http://www.idea.int/elections/ej/electoral_justice_africa.html/

Website

25. Transparency International, CRINIS: Money in Politics, Everyone's Concern, archive.transparency.org/regional_pages/americas/crinis. < Accessed on December 15, 2015 >
26. OSCE/ODIHR - Venice Commission, 2010, <http://www.osce.org/odihr/77812?download=true>. < Accessed on December 15, 2015 >
27. Tanfani, J. Renshaw, J, Challengers, observers and electioneering: the history and rules of U.S. poll watching, avai at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-election-poll-watchers-facts-expl-idUSKBN26S1IH>, 2020.
28. Kenig, ofer "The Electoral Threshold, Wasted Votes, and Proportionality", avai at: <https://en.idi.org.il/articles/5225>, 2015.

